



## گوهرشاد بیگم، الگوی زن مهاجر<sup>۱</sup>

سهیلا حسن‌زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

در مطالعه تاریخ اسلامی با نام زنان مهاجری مواجه‌ایم که تأثیرگذار و حامیان و بانیان مهم در ترویج و توسعه فرهنگ دینی هستند، که در مهاجرت نه تنها هویت آنها تغییر نکرد بلکه باعث تأثیر مثبت در محیط مقصد شد، امروزه می‌تواند برای زنان مهاجر الگو باشند. گوهرشادبیگم یکی از آن زنان می‌باشد. پدرش امیرغیاث‌الدین ترخان یکی از امرای تیموری بود. او بعد از ازدواج با شاهرخ تیموری ملکه خراسان شد. به‌طوریکه در امور دولتی و حکومتی به شاهرخ مشورت‌های سازنده‌ای می‌داد. وی در امور اجرایی هم سهم فعالانه‌ای داشت. وی در مکتب اسلام پرورش یافته بود، از این‌رو دارای افکار و اندیشه‌نیک و خدایپسندانه داشت. از او به عنوان زنی با ذکاوت، شجاع و مادری هنرمند نام برده شده است، که در حسن تدبیر و سیاست مقامی والا داشته است. در این پژوهش سعی می‌گردد، با مطالعه زندگی گوهرشادبیگم، آثار و بناهای که منسوب به او - که قبل و بعد از هجرت از وی - باقی مانده؛ شامل مجموعه‌ای فرهنگی اعم از مسجد، مدرسه، مقبره و مناره، در هرات (افغانستان) و مسجد جامع در مشهد (ایران) بیش از همه اهمیت دارند و از شاهکارهای هنر معماری و کاشی‌کاری قرن نهم هجری به شمار می‌رود، قابل ذکر است که گوهرشاد مستقیماً در ساخت این بناها نظارت داشته است، این بانو هنرمند و نیکوکار را به عنوان الگوی تاریخی به زنان عصر خود معرفی می‌نمایم.

**واژگان کلیدی:** گوهرشادبیگم، زنان، مهاجرت، هرات، ایران.

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۲/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲۴.

۲. دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم تربیتی / hacanzadeh۳۲۰@gmail.com

## مقدمه

در دنیای معاصر مهاجرت باعث شده است، انسان‌ها از هویت ملی خود دور افتاده و در جستجوی هویتی جدید در فضای میانه فرهنگی و اجتماعی باشند و این مسأله باعث بروز چالش و بحران بزرگی در زندگی مهاجران شده است. این بحران در مورد زنان شرقی مهاجر عمیق‌تر و چالش برانگیزتر است. اما گوهرشادبیگم به عنوان زن مهاجر نه تنها در هجرت هویت او تغییر نکرد، بلکه او در هجرت خود آثار و موفقات با ارزش از خود به جا گذاشت. او با نگاهی فراتر از ثروت و قدرت، شاخصی است، که با وجود اینکه در دربار شاهی بوده اما درباری فکر نمی‌کرده بلکه ارزشی و الهی می‌اندیشیده است. الگوگیری از این بانوی عالمه و ادیبه می‌تواند برای بانوان مهاجر امروز ما درس زندگی باشد؛ تا از تشریفات و روزمرگی خارج شوند و به سمت حیاتی ماندگار تغییر مسیر دهند.

بی‌تردید امروزه وسایل تبلیغاتی از قبیل رایانه، اینترنت و فضایی مجازی با جاذبه رنگ و تصویر جلوه‌های بدیع هنری خود، یکی از با نفوذترین و تأثیرگذارترین موارد در رشد اجتماعی و اخلاقی در بین جوانان و زنان امروز دارند، می‌توان به وسیله آن‌ها شخصیت‌های تاریخی و اندیشمند جهان اسلام را به جامعه معرفی کرد. از این‌رو در این مقاله با معرفی گوهرشادبیگم به عنوان یک زن مهاجر، اندیشمند و نیکوکار از خاندان سلطنتی می‌پردازیم. تاریخ، گوهرشاد بیگم را به عنوان یک ملکه در ترویج علم و هنر، حمایت از علماء و فقها، قراء، معماران، هنرمندان، میناتورست‌ها، خطاطان، نساجان و سایر دسته‌های هنری و ادب که فوق‌العاده زیاد بوده می‌شناسد، این ملکه نیکوکار یادگارها و بناهای از نوع مسجد و مدرسه از خود برجا گذاشته است. این بانو می‌تواند برای زنان مهاجر امروزه هم از لحاظ فرهنگی و هنری، سیاسی هم از لحاظ تربیت فرزندان هنرمند و شایسته، الگو مطرح شود.

پژوهش حاضر تحقیقی نظری (توصیفی و تحلیلی) مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. با وجود تلاش نگارنده، نوشته حاضر را خالی از نقص و

نقطه ضعف نمی‌داند، زیرا پژوهش‌هایی از این نوع با محدودیت‌ها همراه است، گرچه از میان آثار پژوهشی جدید در مورد تیموریان به نگارش در آمده است، ولی به نقش گوهرشاد بسیار ضعیف پرداخته شده است.

باتوجه به خلاء موجود در این باره نگارنده انجام این پژوهش را وجه همّت خود قرار داده است، به امید اینکه پژوهش‌های این چنینی انجام شود، تا شخصیت‌های تاریخی به جوانان و زنان امروز معرفی شود.

### ۱. شرح حال گوهرشاد بیگم (۷۸۰ق/۸۶۱ق)

گوهرشاد بیگم، گوهرشاد خاتون، یا گوهرشاد آغا «آغا به معنای خانم و عنوانی که برای احترام به دنبال یا در ابتدای اسم خواجه سرایان افزوده می‌شد» (مدیرشانه‌چی، ۱۳۴۶: ۸۹) مقلب به بلقیس زمان، مهدعلیا، قیدانه دوران و ستر عظمی، در سال ۷۸۰ق دیده به جهان گشود. پدر گوهرشاد آغا، امیر غیاث‌الدین ترخان - یکی از امرای عهد تیموری - بود که در جنگ‌های بسیار شرکت داشته و لقب «ترخان» را چنگیزخان به او داده بود. ترخان یا آغاجی یا آغجی، عنوان منصبی در دستگاه امرای ماوراءالنهر و خراسان بود که صاحب این منصب، واسطه میان سلطان و رعیت بود و به خاطر حشمت و نفوذی که داشت، بدون واسطه و بدون التزام به رعایت نوبت و رخصت، نزد سلطان بار می‌یافت. (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۴)

مادر گوهرشاد بیگم، بانو خان‌زاده بیگم است که در ماه رجب سال ۸۱۴ق در مشهد مقدس وفات کرده و در جوار مرقد مطهر حضرت رضا علیه السلام دفن شد. (خطیب، ۱۳۹۳: ۹)

گوهرشاد بیگم در سن ۱۴ سالگی به همسری امیرزاده شاهرخ بن امیر تیمور گورکانی، پسر امیر تیمور درآمد. شاهرخ در روز پنج‌شنبه چهاردهم ربیع‌الثانی سال ۷۷۹ق متولد شد و در سال ۸۵۰ق در شهر ری درگذشت. (روملو، ۱۳۸۴: ۱۰۵) جنازه‌اش به هرات حمل و در مدرسه گوهرشاد بیگم دفن شد. سلطان شاهرخ تیموری، به مدت ۴۳ سال بر مناطق وسیعی از افغانستان و ایران

حکمرانی کرد و توسط او در سال ۱۴۰۵م. پایتخت تیموریان از سمرقند به هرات منتقل شد. (زنگنه، ۱۳۹۰: ۲۷)

تیمور چهار پسر داشت: غیاث‌الدین جهانگیر، معزالدین عمر شیخ، جمال‌الدین میرانشاه و شاهرخ میرزا که از مادری تاجیک و دری زبان به دنیا آمده بود؛ در زمان سلطنت پدرش والی خراسان مقرر شد. این رویداد در سال ۱۳۹۶م. اتفاق افتاد و نه سال پس از آن به سال ۱۴۰۵م، در همان شهر اعلان پادشاهی کرد و همانجا را پایتخت قرار داد. سمرقند و زابلستان را تحت حاکمیت خود درآورد و سلطه‌اش را بر آسیای مرکزی وسعت بخشید. شاهرخ مردی مدبر، دانشمند و عادل بود. شاید تیمور وی را به علت همین ویژه‌گی هایش بیشتر از سایر پسران خود دوست داشت. (تاکستن و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۹)

شاهرخ پس از رسیدن به مقام شاهی؛ در اسرع وقت زخم‌هایی را که پدرش بر پیکر خراسان زمین وارد آورده بود، در سایه فراست خود و همسرش گوهرشاد بیگم التیام بخشید. دیوارهای تدافعی شهر هرات را که به اثر حملات چنگیز و تیمور ویران شده بود، از نو ساخت و عمارات با شکوه زیادی بنا نمود. بدین ترتیب از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۴۷م. که دیده از جهان فروبست، شاه و همسرش گوهرشاد؛ تمام توانایی‌های‌شان را وقف عمران مجدد هرات و رشد و انکشاف عرصه‌های مختلف هنری و ادبی خراسان زمین نمودند. (تاکستن و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۹)

شاهرخ دو همسر داشت یکی به نام گوهرشاد و دیگری به نام سلطان بیگم ولی معلوم نیست که کدام یک را قبل از دیگری به ازدواج درآورده است. از اینکه الغبیک بزرگترین فرزند شاهرخ است و به ظن قوی از گوهرشاد آغا نبوده می‌توان حدس زد که اولین همسر شاهرخ همان سلطان بیگم بوده است که الغبیک از وی در جمادی‌الاول ۷۹۶ هجری که شاهرخ ۱۷ ساله بود به دنیا آمده است. اگرچه دایره المعارف اسلامی (ج ۳: ۵۱۳) مادر الغبیک را گوهرشاد بیگم نوشته است، ولی به یقین اشتباه ذکر کرده، زیرا ابرهیم سلطان،

فرزند دیگر شاهرخ در شوال همین سال ۷۱۶ یعنی پنج ماه پس از تولد الغ بیگ به دنیا آمده لذا می‌توان گفت؛ که الغ بیگ از بطن گوهرشاد نبوده است و از همسر دیگر شاهرخ (سلطان بیگم) است. (زن‌گنه، ۱۳۹۰: ۲۸)

شاهرخ در سال ۱۳۸۸م. با گوهرشاد آغا دختر امیر غیاث‌الدین ترخان ازدواج نمود. چنانکه از لقب امیر غیاث‌الدین پیداست، نزد امیر تیمور از مقام والایی برخوردار بود. ترخان و آغاجی یا آغجی منصب خاص دستگاه امرای ترک تبارست و به کسانی اطلاق می‌گردد، که میان سلطان و رعیت واسطه بودند. بخاطر حشمت و نفوذی که داشتند، بدون التزام به رعایت نوبت و رخصت، نزد سلطان بار می‌رفتند. (مدیر شانه‌چی، ۱۳۴۶: ۸۹)

گوهرشاد ملکه با وقار، خردمند و سخاوتمند در اطعام و انعام، صدقات و خیرات، موصوف به حُسن تدبیر و آگاه از سیاست؛ مقام والایی داشت. اغلب منازعات مهم مردم به تدبیر وی حل و فصل می‌گردید. او از ثروت مادی که به ارث برده بود، به نحو عاقلانه، عالمانه و عادلانه استفاده کرده، همه را در راه بازسازی، اعمار اماکن عام المنفعه و کمک به رعایا به مصرف می‌رسانید.

حتی اهل علم و دانش از مکان‌های دور جهت فراگیری علوم به مدرسه وی که در کنار مقبره‌اش اعمار گردیده است؛ مراجعه می‌کردند. (سکندری، ۱۳۸۳: ۲۰۳)

گوهرشاد به تاریخ و ادبیات علاقمند بود، از همین جهت شاعره نامور سده نهم هجری «مهری هروی» را به مصاحب و ندیمی خود برگزیده بود. مهری هروی شاعره مشهور، که به تصریح حکیم شاه محمد قزوینی، یکی از مترجمین مجالس‌النفاس (متوفی ۶۹۶) زن مولا حکیم، طیب شاهرخ بود. (نوایی، ۱۳۲۳: ۲۱)

دیگر از زنان مشهور این دوره پریزاد، ندیمه گوهرشاد بیگم است که از خشت و مصالح باقیمانده مسجد گوهرشاد در مشهد، در جوار مسجد،

مدرسه‌ای اعمار کرد، که تاکنون پابرجاست و به نام پریزاد لوحه دارد. (افضلی، ۱۳۹۰: ۴۹)

گوهرشادبیگم؛ زن دانشمند در امور دولتی و حکومتی به شاهرخ میرزا مشاوره‌های سازنده‌ای می‌داد و در امور اجرایی نیز نقش فعالی داشت. همچنان در بسیاری از سفرها شاهرخ میرزا را همراهی می‌کرد. وی پس از مرگ شوهرش نیز نزد مردم از قدرت و عزت برخوردار بود. اکثر اوقات که مشاجره بین شاهزادگان و حکام دولت به وقوع می‌پیوست؛ او به میانجی‌گری می‌پرداخت و مصالحه ایجاد می‌نمود. (جنایی، ۱۳۸۵: ۱۱۲)

سرانجام گوهرشاد بیگم در روز نهم رمضان سال ۸۶۱ق در سن ۸۱ سالگی بر اثر وسوسه جمعی به دستور میرزا سلطان ابوسعید تیموری برادرزاده شاهرخ در هرات به قتل رسید، واقعه قتل گوهرشاد تأثیر عمیقی در مردم متدین زمان خود گذارد؛ چراکه آثار خیریه وی و صلوات و مبرات او در دستگیری از ضعفا و جلوگیری از تندرروی و آدم‌کشی بعضی امرا و بالاخره گوشه‌گیری و زهد و تقوایی که این بانو در آخر عمر پیشه کرده بود جایی در دل‌ها به خود اختصاص داده بود که باقتل فجیع وی قلوب مردم را جریحه‌دار ساخت و بدین جهت سلطان ابوسعید همیشه مورد شماتت مردم قرار داشت. (سیدی، ۱۳۸۶: ۳۶)

پیکر این بانوی خیر، همان‌طور قبلاً بیان شد، در هرات و در مدرسه گوهرشاد که خود آن را ساخته بود؛ در کنار پیکر همسرش، شاهرخ (۷۷۹-۸۵۰ق) به خاک سپرده شد. معروف به گنبد سبز یا مقبره بانوگوهرشاد است.

## ۲. وضعیت زنان در عصر تیموریان هرات

گوهرشاد به عنوان زن اوّل امپراتوری شاهرخ هم‌چنانکه در راستای توسعه فرهنگی و پیشرفت تمدن و بهبود اوضاع عمومی کارائی موثر داشته است نقش ارزنده در بهینه‌سازی وضعیت زنان نیز بازی می‌کرده است. (بهره، ۱۳۹۱: ۵۲ و ۵۳) اما جوّ عمومی و ناشی از سنت‌های کهن جامعه که متأسفانه همراه

با ارزش‌های دینی خلط شده و ظاهراً جدایی‌ناپذیر گردیده بود، انگیزه علم دوستی گوهرشادبیگم را نیز در مورد زنان تحت فشار قرار می‌داد. او نمی‌توانست برخلاف جریان که در جامعه رایج بود شنا نماید، زیرا بر چسپ‌های انحرافی یقیناً دامن این بانوی فرهنگ‌پرور را می‌آلاید و تهمت بی‌دینی را به آن می‌زدند. روحیه جمعی به عنوان فرهنگ کلی در جامعه کهکشانش هفت رنگی بود از رنگ ظاهر دین، عرف و سنت‌های به جا مانده از دوره‌های پیشین، خرافات و هنجارهای بی‌ارزش که گذشتن از آن به قیمت بی‌غیرتی شخص محاسبه می‌شد.

تعصبات جنسی که در قالب و سیستم نظام فئودالی بر جامعه حاکمیت قاطع داشت این اجازه را به زنان نمی‌داد، که تحصیل نموده و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نمایند. زنان اکثراً باید در خانه می‌بودند و در کنار امور منزل به کار در مزرعه نیز می‌پرداختند. روح عمومی جامعه این ظرفیت را در خود نداشت که زنان به صورت عمومی تعلیم داده شوند و بعد به کارهای اجتماعی مشغول گردند. (حصاری، بی‌تا: ۴۳۷)

اوضاع منجمد اجتماعی و برداشتهای کورکورانه در ارتباط به زن که تاریخ بسیار طولانی در شرق و فرهنگ‌های شرقی دارد جو فرهنگی هرات را نیز در آن عصر در این زمینه تحت تأثیر خویش قرار داده بود. با آنکه اکثریت قاطع ساکنان هرات مسلمان بودند و واضح است که دین اسلام در زمینه‌های تعلیم و فعالیت‌های فرهنگی و پیشرفت تمدن به زن و مرد توصیه‌های اساسی دارد و زنان را هیچ‌گاه از این نعمت الهی محروم نکرده بلکه تشویق نیز نموده است؛ اما باز هم فضای عمومی ناشی از عوامل که در فوق اشاره شد، طوری بود که بایست زنان از این عرصه به دور نگهداشته شوند. این جو، با تأسف نیمی از جمعیت هرات و خراسان را به رکود اجباری روبه‌رو کرده بود و زنان محکوم به این حالت بودند، که حتی گوهرشادبیگم که بانوی متمدن و فرهنگ‌پرور عصر خودش بود گاهی اوقات نیز در مقابل چنین روند، کاری را از پیش برده نمی‌توانستند. یا او نیز خودش تحت تأثیر چنین برداشت و اندیشه قرار

گرفته بود، که زنان صرف برای خانه‌داری است و کار دیگری در جامعه نباید به آنان سپرده شود.

به هر حال آنچه از منابع تاریخی بدست می‌آید، این است که زن در عصر تیموری و بویژه دوره شاهرخ و گوهرشاد از جایگاه آن چنانی برخوردار نبوده و برای زنان فرصت شکوفایی نبوده است و آن هم علتش در درون فرهنگ حاکم بر بستر جامعه بوده است. جهت روشن شدن موضوع و درک بهتر آن استناد به کتاب افغانستان در مسیر تاریخ می‌کنیم؛ این کتاب راجع به وضع اجتماعی هرات و اوضاع زنان در آن زمان چنین اشاره می‌کند:

«البته در طی مراحل تحصیلی آزادی مباحثه و انتقاد و اظهار عقیده معدوم بود، کتب معین تدریس می‌شد و به کلام قُدا قناعت می‌گردید، گفتار مشایخ و تأویلات مذهبی در جای منطق و استدلال نشسته بود، و از تعلیم و با سواد شدن زن جلوگیری می‌شد. جلال‌الدین دوانی دانشمند مشهور همین دوره در کتاب معروف خود (اخلاق جلالی) راجع به زن زیر عنوان لُمعهء سوم در سیاست اهل می‌نوشت که شوهر، خودش را در نظر زن مهیب نماید تا از اطاعت اوامر و نواهی او تهاون نکند... اگر به محبت زن گرفتار شود از او مخفی نماید... در امور کلی با زن خود مشوره نکند و زن فرزنددار و زن بیوه و زن متمول را نکاح ننمایند. این نوشته موقف زن را در آن زمان نشان می‌دهد که چگونه در بند و قیود بود.» (غبار، بی‌تا: ج ۱، ۲۹۰)

اما در مورد زنان شاهان تیموری آزادی وجود داشتند. خیلی از زنان تیموری می‌توانستند بدون جاه‌طلبی، تحصیل نمایند و در امور سیاسی و عمارت‌سازی فعالیت نمایند، به‌طور مثال می‌توان از مه‌پری خاتون، همسر علاء‌الدین کیقباد، سازنده پنج کاروانسرا و مجتمعی بزرگ در کیسری یاد کرد. (اوکین، ۱۳۸۶: ۱۷۲)



### ۳. نقش گوهر شاد بیگم در تربیت فرزند

گوهرشادبیگم نقش مؤثر در عرصه تربیت فرزندان شایسته و هنرمند داشته است. به تعبیری دیگر، گوهرشاد نام خود را به عنوان زن نیکوکار، عمران‌خواه و هم‌مادری نمونه ثبت جاودانه نمود. وی به عنوان مشوق، همسر و فرزندان خود را در مسیر اعتلای هنر و معماری و شکوفایی فرهنگ و تمدن قرار داد تا مایه خیر و برکت شوند.

کارکردهای این زن اسوه در تاریخ تمدن اسلام الگوی خوبی برای زنان مهاجر با ایمان و تمدن‌خواه اسلامی می‌باشد، تا با الهام از وی بتوانند با تربیت فرزندان شایسته، سهمی را در پیشرفت هنر و تمدن جامعه باشند.

بانوگوهرشاد پرورش دهنده دو هنرمند بوده است: یکی به نام میرزا ابراهیم یا ابراهیم سلطان که در ماه شوال ۷۹۶ق متولد و در ماه شوال سال ۸۳۷ق وفات یافت. پسر دیگر وی به نام میرزا بایسنقر بود که در سال ۸۰۲ق متولد و در سال ۸۳۷ق درگذشت. پسران گوهرشاد بیگم؛ هنرمند در زمینه خط و دیگر کمالات ممتاز بوده‌اند. (خطیب، ۱۳۹۳: ۱۰)

میرزا بایسنقر خوش‌طبع و هنرپرور بود و در خط ثلث سرآمد دیگر خطاطان زمان خویش بود. کتیبه پیش طاق مسجد گوهرشاد به خط ثلث از هنرهای بایسنقر است که به دست خود او نگاشته شده است. (سکندری، ۱۳۸۳: ۲۰۴) همچنین بزرگترین قرآن موجود که طول هر صفحه آن دو زرع و نیم است از جمله آثار ارزنده اوست، که هم اکنون برخی صفحات آن در آستان‌قدس رضوی و کتابخانه آقای علی اصغر مهدوی در تهران موجود است. میرزا بایسنقر دوستدار و بانی زیباترین مکتب کتاب‌سازی در ایران بوده است و در زمان خویش نسخه‌های نفیس و زیبا بسیار نوشته و به تصویر کشیده است. همچنین به جهت علاقه خاصی که به هنر نشان می‌داد هنرمندان بسیاری را حمایت کرده و گرد هم می‌آورد. در کتابخانه‌اش پیوسته چهل نفر

از خوش‌نویسان و تذهیب‌کاران و نگارگران مشغول کتابت، تذهیب و تصویر بودند. (سیدی، ۱۳۸۶: ۲۵)

میرزا ابراهیم هم مانند برادرش؛ فاضل و هنرمند بود و هم اکنون قرآنی به خط نسخ بسیار عالی از وی در موزه کتابخانه آستان‌قدس رضوی موجود است. و کتیبه‌های بسیاری به خط میرزا ابراهیم در شیراز وجود دارد که از جمله دارالصفاء و دارالایتام و کتیبه موجود در عمارت بقعه ظهیری است. همچنین میرزا ابراهیم با رنج بسیاری کلیه مصالح و زندگی تیمور را به فارسی و ترک جمع‌آوری و مقایسه و تدوین کرد و تحویل شرف‌الدین علی یزدی داد. (خطیب، ۱۳۹۳: ۱۱)

میرزا بایسنقر، خوش‌طبع، هنرمند، هنرپرور و شجاع. خطوط هفت‌گانه را با مهارت تام می‌نوشت، ولی در نوشتن خط ثلث استاد بود. هنرستان خطاطی و نقاشی هرات مرهون این شهزاده والاگهر می‌باشد. در این هنرکده چهارصد تن کاتب، مصور، مذهب و مجلد‌کار می‌کرد. جعفر بایسنقری رئیس کتابخانه آن نگارستان بود.

مهم‌ترین کار ادبی بایسنقر ترتیب شاهنامه فردوسی و مقدمه‌ای است که به اشاره او بر شاهنامه نوشته‌اند و به مقدمه بایسنقر معروف است. (سکندری، ۱۳۸۳: ۲۰۵)

شاهنامه به خط بایسنقر میرزا در موزه کاخ گلستان تهران که ۲۲ تصویر از شاهکارهای نقاشی هرات را با خود دارد؛ موجود است. پروفیسور د. برت رئیس موزه بریتانیا، این کتاب را در تاریخ زندگی بشر، عالی‌ترین و گرانبهاترین کتاب دانسته است.

بایسنقر میرزا شعر هم می‌سرود. نمونه از کلامش که ثبت تذکره‌ها گردیده، چنین است:

ندیدم آن دو رخ اکنون دو ماهست      ولی مهرش بسی در جان ما هست  
 غلام روی او شد بایسنقر      غلام روی خوبان پادشاهست

بایسنقر مانند والدین خود برای تعمیم و انکشاف هنر بسیار کوشید. افسوس که اجل مجالش نداد، تا در این راستا زیادتیر کار کند؛ چه هیولای مرگ وی را درعین جوانی بکام خود فروبرد.

به گونه‌ایکه پیش از این نیز اشاره نمودیم، سنگ‌بنای نخستین دانش و هنر عهد تیموریان هرات توسط گوهرشاد بانو و شاهرخ میرزا گذاشته شد؛ ولی هنرپروری و علم دوستی، به تأسی از سلوک آن‌ها، بین فرزندانشان نیکو مبدل گردید. چنانکه خدمات هنری و علمی پسر دیگرشان - الغبیک میرزا مثال برجسته این امرست. الغبیک میرزا که پسر شاهرخ میرزا بود، در سال ۱۳۹۴م متولد شد. از بطن گوهرشادبیگم زاده نشده ولی تربیت یافته گوهرشادبیگم بوده است، او در سالیان نوجوانی از سوی پدر والی پاردریا تعیین گردید. او در آن سرزمین، یک پنجم اوقات خود را صرف امور دولتی می‌کرد و بقیه آن‌را به تحقیقات علمی سپری می‌نمود. چون به دانش نجوم دلبستگی داشت، بنای رصدخانه معروف سمرقند را گذاشت و در پهلوی آن مرکزی برای علوم ریاضی تأسیس کرد که شصت تن از دانشمندان این ساحه در آنجا مصروف کار بودند. همین گروه بود که به اتفاق الغبیک فرمول‌های سینوس و تانجانت را در ریاضی نوشتند. (افضلی، ۱۳۹۰: ۹۰)

از برکت توجه و دانش‌پروری الغبیک بود که در روزگار وی حتی مباحثات کوچه بازار سمرقند پیرامون مسائل ریاضی و ستاره‌شناسی بود. غیاث‌الدین جمشید کاشانی دانشمند ریاضی‌دان همان‌روزگار که با همراهی یکی از دوستانش به نام معین‌الدین کاشانی؛ توسط پدرش به سمرقند فرستاده شده بود، در نامه‌هایی به پدرش نوشته بود که دانش ریاضی و نجوم در شهر سمرقند آن قدر وسعت یافته است که حتی مردم در سر بازار و روی کوچه‌ها هم به مباحثه روی موضوعات این دو علم مشغول‌اند. الغبیک که قاری قرآن نیز بود که در مدت شش ماه فراگرفته بود. وی دانشمند بزرگی بود، اما از سیاست سر رشته خوبی نداشت؛ از همین جهت بود که در سال ۱۴۵۰م = ۸۵۳ق. به دستور پسر نیمه دیوانه‌اش - عبداللطیف - که حاکم بلخ بود، به قتل

رسید. عبداللطیف همان کسی است که برادر کوچکتر خود - میرزا عبدالعزیز - حاکم سمرقند را نیز به قتل رساند و دارایی جده‌اش (گوهرشادبیگم) را نیز تاراج نمود. سرانجام بعد از یک سال از توطئه قتل پدر، کشته شد. قاتلین سرش را از تن جدا کرده، به طاق مدرسه الغبیک آویختند. میرزا الغبیک شعر نیز می‌سرود؛ نمونه‌ای از کلامش این است:

هرچند ملک حسن به‌زیرنگین تست شوخی مکن که چشم بد اندر کمین تست

اما دو سال پس از آن پسرش الغ بیک میرزا که والی سمرقند بود؛ جسد پدر را با مقداری از خاک گورش به سمرقند انتقال داد و در جوار قبر پدر بزرگ خود (امیر تیمور) به خاک سپرد، که امروز آن محل را گور امیر می‌نامند. (طیبی، ۱۳۶۸: ۳۶)

#### ۴. گوهرشاد بیگم و سیاست

گوهرشادبیگم زنی خرمند، بااحتیاط و اهل سیاست بود و نقش مهمی در تاریخ اوایل دوره تیموری ایفا کرد. او پس از مرگ تیمور، آهسته آهسته سلطنت‌داری را به دست خود گرفت. حتی خود شاه‌رخ میرزا نیز به عقل و دانش او تن داده بود و در سلطنت‌داری به مشاوره‌های ملکه توجه می‌کرد.

گوهرشادبیگم حضور پررنگی در صحنه سیاست در سراسر دوران سلطنت شاه‌رخ و حتی پس از او داشت، نقش از ویژه‌ای در اداره کشور به خصوص در اواخر حیات شاه‌رخ، ایفا کرد. در واقع می‌توان گفت اداره کشور در زمان شاه‌رخ میرزا به دست گوهرشاد، فرزندان و سردارانش انجام می‌گرفت زیرا شاهزادگان زیر نظر او تربیت می‌یافتند و او می‌کوشید آن‌ها را به یک اسلوب مطلوب بار آورد. ترتیب نفوذ وی در دربار بسیار زیاد شد تا آنجا که دخالت‌های وی در امور سیاسی گاه یکی رابه اوج اقتدا می‌رسانید، و گاهی دست دیگری را از سلطنت کوتاه می‌کرد و او روانه زندان می‌ساخت. (معرفیون، بنی سعید، ۱۳۹۶: ۱۱۳)

پس از مرگ شاهرخ، گوهرشاد با کشمکش‌ها و نزاع‌های فراوان، نوه مورد علاقه خود را به تاج و تخت نشاند و برای ده سال عملاً فرمانروای امپراتوری بزرگی بود که از دجله تا مرزهای چین امتداد داشت. (جعفریان، ۱۳۷۷: ۳۰۰)

در آن زمان گوهرشاد در امور سیاست بی‌مداخله نبود؛ تا جایی که به خاطر ترسی که دشمنان از نفوذ این بانو داشتند، برای مدتی وی را روانه زندان کردند، تا اینکه سرانجام در سال ۸۶۱ق سلطان ابوسعید، برادرزاده شاهرخ، تحت تأثیر مخالفان، دستور قتل گوهرشاد را درحالی‌که هشتاد و یک سال از عمرش می‌گذشت صادر کرد. (زنگنه، ۱۳۹۰: ۳۳)

### ۵. نقش گوهرشاد بیگم در گسترش هرات

زمانی از شکوفایی تمدن در هرات صحبت به میان می‌آید نام ملکه شاهرخ (گوهرشاد بیگم) در آن می‌باشد، همچنین نقش او در گسترش فرهنگی باید در نظر گرفت. او در واقع به عنوان مشاور و وزیر شاهرخ در کنار شوهرش نقش سازنده و ارزنده داشت. این زن نیکوکار، ثروتمند، ادب‌دوست، هنرپرور، باوقار، خردمند، بااحتیاط و باسیاست، تمام هم و غم‌شان توسعه تمدن و فرهنگ هرات بود. او مشوق خوب بود برای شوهرش در جهت جهانداری و پیشرفت قلمرو تحت حاکمیتش نه در راستایی حمله بر سرزمین‌های جدید و جدال‌های بی‌مورد در قبال آن‌ها، بلکه گوهرشاد بیگم همواره عاشق ادبیات، شعر و شاعری بود، وی و به شاعران عزت زیاد قائل بود و به آن‌ها بذل‌های شاهانه می‌کرد. همین‌طور معماران، هنرمندان، اهل فن، نقاشان، نویسندگان و همه آنان که در راه ترقی هرات می‌توانستند کاری نمایند مورد حمایت این بانو متمدن قرار می‌گرفتند. او برای همیشه به زبان فارسی حرف می‌زد و این زبان را در دربار سلطنتی به زبان رسمی تبدیل کرده بود. (اسفزاری، ۱۳۳۸: ج ۲، ۳۵).

تحت حمایت او علاوه بر زبان فارسی، فرهنگ خراسانی نیز به عنصر اصلی در دربار تیموریان ارتقاء یافت. او و همسرش سلطان شاهرخ تیموری، نوعی

رנסانس فرهنگی، از طریق حمایت بی‌دریغ خود از هنر و جذب هنرمندان، معماران، فیلسوفان و شاعران به دربار خود بوجود آوردند. عبدالرحمن جامی یکی از مشهورترین هنرمندان بود که تحت حمایت ایشان قرار گرفت. همانطور قبلاً گفتیم، به تاریخ و ادبیات علاقه‌مند بود و مهری هروی، شاعره نامدار قرن نهم، مصاحب و ندیمه او بود. (حبیبی، ۱۳۵۴: ۷۶)

گوهرشاد سخت علاقه‌مند به توسعه فرهنگی هرات بود و رسیدن به این آرمان را در دانش‌پروری و علم‌آموزی می‌دانست، وی مدارس زیادی را ساخت و در پویایی آن از هیچ سعی فروگذار نکرد. گوهرشاد بیگم مردم را به این کانون‌ها فرا می‌خواند و در زمان او از اهل علم استقبال فراوان می‌شد. با علم‌آموزان رفتار خوب صورت می‌گرفت و به علم آنان ارج قائل بود. حمایت از مدرّسان و معلمان اولویت کاری دوره شاهرخ و گوهرشاد را تشکیل می‌داد؛ لذا علم در این عصر از جایگاه والای برخوردار بود. این احترام به علم و دانش از جانب این ملکه و شوهرش توانست در عرض کمتر از نیم قرن رנסانس تمدن را در هرات بوجود بیاورد. همینطور در سایر عرصه‌ها نیز گوهرشاد یکی از بانیان و حمایت‌کنندگان اصلی جریان‌های ترقی طلب در هرات بود. او روحیه پشتیبانی از توسعه فرهنگی و رسیدن به آبادی خراسان و تجربه نمودن کمال تمدن را در میان تمامی امیران و حکمروایان شوهرش بوجود آورده بود. شاهرخ در حقیقت تحت تأثیر اندیشه مترقی و متمدن‌زنش قرار داشت و هر وقت که او را سستی و غفلت فرا می‌گرفت این گوهرشاد بود که وی را دوباره در این راه نیرو می‌بخشید و اراده‌اش را قوی‌تر از پیش می‌ساخت. گوهرشاد بیگم یگانه زن آن روزگار هرات است، که چنین نقش مؤثر را در گسترش و ارتقاء تمدن در هرات به صورت خاص و در تمامی قلمرو امپراتوری تیموری به صورت عام دارا بوده است.

## ۶. آثار گوهرشاد بیگم در هرات

از آثار و بناهای خیریه که توسط گوهرشاد بیگم بنا شد، مسجد جامع، مدرسه و خانقاه شهر هرات، که این مسجد و مدرسه یکی از مجلل‌ترین بناهای دوره تیموریان در هرات و نمونه برجسته‌ای از صفت هنرپروران آن دوره چه از حیث آبادی و کاشی‌کاری و چه از نگاه نقاشی، کتیبه‌نویسی و میناتوری بوده است.

### ۶-۱. مسجد جامع گوهرشاد در هرات

گوهرشاد بیگم با ایجاد بناهای مذهبی، رابطه حکومت و مردم و روحانیون را تقویت می‌نمود.

و در این باره آمده است: «مسجد جامع گوهرشاد بیگم در هرات که در غایت نزاهت و تکلف و نهایت عظمت و لطافت است و هر جمعه در آن مقام لازم‌الاحترام جمعیت تمام دست می‌دهد و به رفعت و وسعت مزین و محلی است.» (سیدی، ۱۳۸۶: ۴۵۶)

"مسجد جامع گوهرشاد در شمال مدرسه گوهرشاد واقع و از حیث ساختمان شبیه مدرسه موصوف بوده با این تفاوت که مدرسه دارای چهار منار و مسجد جامع دارای دو منار که به طرف راست و چپ هر دو شبستان‌ها ساخته شده بود. امر، آبادی مسجد جامع گوهرشاد که ساختمان نهایت زیبا و مقبول داشت بعد از اعمار مدرسه موصوف کار آن آغاز شد." (حصاری، بی‌تا: ۳۲۲)

### ۶-۲. مدرسه و خانقاه شهر هرات

مدرسه را گوهرشاد بنا بر علم دوستی و دانش‌پروری که داشت در عهد زمامداری شوهرش شاهرخ میرزا برای دانشمندان و طلابی که از هر طرف برای تحصیل در این علم و دانش می‌آمدند، بنا نمود و مدرسان و علمای متبحر و استادان ورزیده؛ مانند: مولانا جلال‌الدین یوسف اوبهی، مولانا نظام-

الدین عبدالرحیم، مولانا خواجه ناصرالدین لطف‌الله و... را برای تدریس در این مدرسه گماشت.

درباره مدرسه و مسجد گوهرشادبیگم که در هرات بنا کرده است، میرهروی در کتاب خویش (خلاصه الاخبار) چنین می‌نویسد: «حلیه تکلف و به انواع زیب و زینت محلی و آراسته و به وفور فسحت و کثرت متانت از اکثر بقاع این بلده جنت صفات ممتاز و مستثنی است و در این اوقات چهار نفر از علمای پسندیده صفات در آن بقعه فایض البرکات به درس و افاده قیام و اقدام می‌نمایند و از موقوفاتش به حظی وافر محظوظ و بهره‌ور می‌گردند.» (افضلی، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

کار ساخت این مدرسه کم‌نظیر سال ۸۲۰ق شروع شده و در سال ۸۴۱ یا ۸۳۶ق بنای آن به اتمام رسیده است.

"این مدرسه مجلل دارای چهار مناره بود که از چهار گوشه آن سر برافراشته بود، در قسمت غربی آن ایوان بلند جهت نماز خواندن طلاب ساخته بود به طرف راست و چپ این ایوان در ایوانچه‌های خورد دیگر نیز وجود داشت. به طرف شمال و جنوب مدرسه اتاق‌های متعدد و در وسط اتاق‌ها صنف بزرگ برای تدریس و مطالب و موضوعاتی که طلبه‌ها می‌خواستند بحث کنند درست شده بود. این اتاق‌ها دو طبقه بودند. در حصه وسط راهرو، سکویی مسدسی شکل بود که از آن دو دروازه به طرف شرق و غرب و دو دروازه به طرف شمال و جنوب باز شده بود. در بیرون دروازه شرقی ایوان بزرگی بود که درگاه مدرسه نامیده می‌شد. به طرف چپ و راست این ایوان دو ایوانچه خورد دیگر تحتانی و فوقانی وجود داشت که از فاصله بسیار دور دیده می‌شد. دروازه جنوبی آن به شبستان بزرگ یا مسجد زمستانی و دروازه شمالی آن به راهرو سراچه آرامگاه بایسنقرمیرزا فرزند سوم شاهرخ باز می‌شد. بین صفا شمالی و گنبد سبز منظور مدرسه گوهرشادبیگم حویلی (حیاط)



بزرگی بود که در آن برای متولیان و حافظان جای بود و باش درست شده بود". (حصاری، بی تا: ۳۲۰ و ۳۲۱)

تمام این منارها و عمارات زیبا و گلدسته‌ها و گنبدها، رواق‌های بلند و دیوارهای ضخیم آن از بیرون با کاشی‌های هفت رنگ منقش و به خط ثلث نهایت زیبا و آیات قرآنی مزین و داخل ایوان و شبستان طرح‌های به آب طلا و لاجورد در کمال مهارت نقاشی شده بود در وسط حویلی (حیاط) مدرسه حوض مربع شکلی که از آب جوی انجیل (نام محلی در نزدیکی شهر هرات) پر می‌شد وجود داشت. (حبیبی، ۱۳۵۴: ۹۲)

در ساختن عمارت باشکوه مدرسه ماهرترین معماران، خوشنویسان، تذهیب‌کاران و نقاشان از سرتاسر قلمرو خراسان عصر شاهرخ در تکمیل ساختمان این مدرسه که یکی از عجایب مشرق زمین بحساب می‌آمد، مشارکت داشته‌اند.

گوهرشاد، در کنار مدرسه، کتابخانه و بیمارستان و مهمان‌سرا نیز احداث کرده است. این مجموعه فرهنگی توسط گروهی از معماران برجسته به ریاست استاد قوام‌الدین شیرازی معمار (متوفای ۸۴۶) ساخته شده است و جعفر جلال هروی، خطوط کتیبه‌های آن را نوشته و استاد میرک هروی کتیبه‌ها را تذهیب و و تزئین نموده است.

گوهرشاد در کنار این مدرسه؛ مقبره زیبایی برای خود و شوهرش ساخته است که تاکنون بحال خویش باقی مانده و به نام مقبره گنبد سبزی (در زبان گفتاری گمبذ سوز) زینت شهر هرات است. هم اکنون مقبره این ملکه خیر و دانشمند و فرزندان در این مکان قرار دارند؛ و هنگامی که شوهرش شاهرخ میزرا در سال ۸۵۰ ق. در شهر ری دیده از جهان فروبست، جسدش را به هرات انتقال داد، در داخل همین مقبره باشکوه مدفونش ساختند. (سیدی، ۱۳۸۶: ۴۴۵؛ افضل‌ی، ۱۳۹۰: ۱۱۸)

و همچنین آرامگاه برادر گوهرشاد امیرصوفی ترخان، آرامگاه بایسنقر در این مجموعه قرار دارند. (اوکین، ۱۳۸۶: ۳۱۴)

میرزا محمد جوگی؛ و نواده‌اش علاءالدوله پسر بایسنقر در آن آرام گرفته‌اند. بخش‌های دیگر این بنای تاریخی از گزند حوادث روزگار مصون نمانده و عمدتاً ویران گردیده است. (افضلی، ۱۳۹۰: ۱۲۱)

پژوهشگر و باستانشناس روسی - خانم گالینه پوگاچینکوا - در کتاب تاریخ صنایع قدیم افغانستان، در مورد گنبد سبز می‌نویسد: قوام‌الدین معمار نخستین کسیست که گنبدی را به چنین شیوه‌ی بدیع، تازه و ابتکاری اعمار نموده است. حقیقت آن است که شیوه گنبدسازی در مقبره گوهرشاد به آخرین حد کمال رسیده است. گذشت پنج سده کامل و مرور گرم و سرد روزگار، به محیط خارج گنبد و بدنه تعمیر آسیب‌های فراوانی وارد آورده بود، اما در سال ۱۹۹۵م. مؤسسه داکار این خرابی‌ها را تا حدود زیادی مرمت نموده است؛ ولی بخش‌های داخل و خارج مقبره که نقوش و نوشته‌های آن از بین رفته است، به حال خویش گذاشته شده، و به صورت ساده و بدون بازسازی نقوش و نوشته‌ها ترمیم شده است.

یکی دیگر از شاهکارهای عمرانی گوهرشاد در خیابان دو هرات است که شامل یک مدرسه، مسجد و یک مصلی می‌باشد. این محل که امروز به نام «پای منار» معروفست؛ در آن پنج مصلی وجود دارد که فقط یکی آن‌ها را گوهرشاد اعمار نموده است، بقیه آن‌ها در دوره‌های پیشین بنا شده‌اند. (سیدی، ۱۳۸۶: ۴۵۶)

گوهرشاد به معماری علاقه شدید داشت و در کنار سلطان شاهرخ شوهرش یادگارهای گرانبهای از معماری دوران‌ش را به جا گذاشته‌اند. این زن عمران‌خواه، به مظاهر تمدن اسلامی در هرات و خراسان توجه اساسی داشته است و آن را در عمارت‌ها و بناهایی عظیم و ماندگاری به دل جغرافیای این

سرزمین به یادگار گذاشته و امروزه یکی از افتخارات جهان اسلام به شمار می آید. (خواندمیر، ۱۳۴۵: ۱۶-۱۷)

همانند این چند بنای که از آن به اختصار ذکر به میان آمد بسیاری از نمونه‌های بدیع معماری دوره تیموری به خصوص شاهرخ و گوهرشاد در هرات هنوز باقی است و امروزه آثار معماری، مینیاتوری و کتب خطی، آثار خوشنویسی و دیگر هنرهای صناعی به جا مانده از آن دوران، از ممتازترین آثار هنری در جهان اسلام محسوب می‌شوند. ماندگار بودن این بناها و عمارت‌ها در دل تاریخ و جغرافیا تضمین کننده، یاد و خاطره بزرگان تاریخ سرزمین هرات است، که همواره و در درازای تاریخ نامشان به نیکی یاد می‌گردند. ملکه گوهرشاد تنها زنی است که با یافتن فرصت در آن عصر طلائی نام نیک و شخصیت عالی خود را در اوراق تاریخ تمدن اسلام ثبت جاودانه نمود و این را به تمامی مردان عالم فهماند که زن مسلمان می‌تواند در چارچوب ارزش‌های دین اسلام و پارادایم فرهنگ شرقی همانند مردان راست قامت و درست کردار خدمات ارزنده به بشریت تقدیم نماید. کارکردهای این زن اسوه در تاریخ تمدن اسلام الگوی خوبی برای تمامی زنان عالم و بویژه زنان باایمان و تمدن خواه اسلامی مهاجر است.

## ۷. نقش گوهرشاد بیگم در خراسان

گوهرشاد بیگم به خراسان سفر کرد، برای زیارت بارگاه امام رضا<sup>ع</sup> و موقوفاتی در خراسان به نام این بانو خیر می‌باشد.

بنابه تعبیر قرآن کریم در آیه ۹۲ سوره مبارکه آل عمران، اگر جامعه‌ای قصد پیشرفت دارد، باید نیکوکاری و انفاق کند. متن این آیه کریمه می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»؛ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است.

در صورتی که برخی فکر می‌کنند، بخشش و نیکوکاری اموال‌شان، آنان را نابود خواهد کرد. باید بدانند، اگر انفاق نکنند و در تعاملات اجتماعی مشارکت نکنند، به هلاکت فردی و جمعی می‌افتند. یکی از مظاهر انفاق و نیکوکاری، وقف است. وقف یکی از اموری است که از زمان پیامبر گرامی اسلام ﷺ تاکنون برای مرتفع کردن مشکلات اجتماعی و نیازهای مردم از جمله نیازهای مادی، علمی، زیربنایی، تعلیم و تربیت و... مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است.

زنان مهاجر این را باید در نظر بگیرند که انفاق را در هر کجا باشند اگر در توانشان است انجام دهند، زیرا به وسیله موقوفات است که نام انسان ماندگار می‌شود.

بانو گوهرشاد زنی نیکوکار و واقف است و در این زمینه می‌تواند الگو برای زنان مهاجر جامعه باشد، یکی از وقف‌های این بانو مسجد گوهرشاد است که وقف‌نامه آن هم در کتب تاریخی موجود می‌باشد. (ر.ک: سیدی، ۱۳۸۶: ۹۹)

آغاز وقف‌نامه مسجد جامع گوهرشاد که در سال ۸۲۹ق نوشته شده است، شامل حدود و تعیین تولیت و موقوفات و نحوه تصرف آن است، گواه دیگری از تمامیت مسجد در سال‌های بعد از ۸۲۱ می‌باشد. (مدیر شانه‌چی، ۱۳۴۶: ۱۰۶)

از جمله بناهای ماندگاری که در عهد گوهرشاد بیگم ساخته شده یکی مسجد گوهرشاد در مشهد و در کنار حرم مطهر امام رضا علیه السلام است که به امر این زن فرهیخته اعمار گردیده است. این مسجد همانند دیگر عمارت‌ها و بناهای که در دوران وی ساخته شده، زیبا و جذاب است و از هنرهای معمول و رایج آن عصر در ساخت آن کار گرفته شده است. کاشی‌کاری ظریف و منقش و مزین با آیات قرآنی از جمله کارهای تزئینی است، که در این مسجد بزرگ بکار رفته و به زیبایی‌اش افزوده است.



گوهرشادبیگم، به هنر و دانش پروری مشهور بود. وی همواره گروهی از ماهرترین مهندسان عصر و مشهورترین خطاطان و تذهیب‌کاران را به خدمت داشت. رئیس این مهندسان، استاد قوام‌الدین شیرازی معمار بود.

مسجد جامع گوهرشاد در مشهد مقدس که یکی از مهم‌ترین ابنیه دوران شاهرخ است و در جنوب حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام واقع شده است.

گوهرشادبیگم در سال ۸۱۲ ه.ق ساخت این مسجد را شروع کرده و به موجب تاریخی که در کتیبه ایوان مقصوره و به خط پسرش، بایسنقر میرزا نوشته شده، این بنای باشکوه در سال ۸۲۱ ه.ق به انجام رسیده است. لکن گویا چند سال پس از این نیز کار ساختمان ادامه داشت.

ساختمان مسجد یک بنای چهار ایوانی است که در پیرامون یک حیاط نزدیک به چهارگوش با اندازه‌های  $۷۶/۷۰ \times ۵۰/۹۰$  متر شکل گرفته است. چهار ایوان و دو گلدسته و یک گنبد دارد. (سیدی، ۱۳۸۶: ۴۴)

ایوان طرف قبله مسجد معروف به «ایوان مقصوره» است که بزرگ‌ترین ایوان این مسجد است با ارتفاع ۲۵ ذرع، با مقرنس‌کاری و کاشی معرق براق تزئین شده، اطراف محراب کتیبه‌ای از کاشی معرق به خط ثلث دارد. ارتفاع گنبد ۴۱ ذرع و ارتفاع هر یک از گلدسته‌ها نیز ۴۱ ذرع است. (مدیرشانه‌چی، ۱۳۴۶: ۱۰۶)

بر بالای ایوان مقصوره، کتیبه‌ای به خط ثلث جلی از بایسنقر، پسر گوهرشادبیگم است که از شاهکاری‌های هنر خطاطی به شمار می‌رود. دیگر کتیبه‌ها به خط محمدرضا امامی است. (کتابخانه جامع گوهرشاد، ۱۳۶۳: ۲۰)

مسجد گوهرشاد که به نام نامی خودش مسماست، به باور باستان‌شناسان، یکی از دوازده بنای منحصر به فرد جهان شمرده می‌شود که از لحاظ هنر معماری و کاشی کاری عالی‌ترین بنای جهان اسلام شناخته می‌شود.

موقعیت جغرافیای مسجد گوهرشاد به نقل از برنارد اوکین در کتاب "معماری تیموری در خراسان" این گونه ذکر گردیده است:

"شرقی‌ها بر تربت مقدس و روضه منور داخلأ فیها و غربی‌ها به شارع عام و رباطی که بانی آن جناب مغفرت مأب آصف صفات خواجه نظام‌الملک ابن خواجه حسنعلی طوسی است و دکاکین جناب مرحوم، شمالی‌ها منتهی شود به بازارچه که وقف مسجد جامعه و اراضی که معاً وقف مسجد مذکور است و جنوبی‌ها به اراضی وقف مذکور و شارع عام" (اوکین، ۱۳۸۶: ۲۳۷)

### نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش در قالب توصیف و تحلیل بنا بر استفاده از منابع و مأخذ آورده شد، کوششی بوده، در راستای معرفی گوهرشادبیگم به عنوان الگویی نیکوکار و زنی هنرمند و سیاست‌مدار برای زنان مهاجر امروز می‌باشد.

بانو گوهرشاد ملکه بود، که در پهنای جغرافیای خراسان زمین محبوب عامه مردم و بانوی اول کشور شناخته می‌شد. زیرا وی با ذکاوت و تدبیر خود توانست خاندان تیموری را از تجاوزگری به سرزمین‌ها به خاندانی فرهنگ دوست و هنرمند تبدیل کند و ازطرفی دیگر در گسترش دانش و هنر و سازندگی کشور کارهای عام‌المفعه کرد.

شاهرخ تیموری با آموزه‌های و تشویق همسرش گوهرشاد بود که در جبران ویرانگری‌های پدرش تیمور و آبادانی شهرها برآمد. گوهرشادبیگم پسران خود را حامی هنر و دانشمند پرورش داد، چنین مادری شایسته الگو شدن را برای زنان مهاجر امروز دارد.

با مطالعه زندگینامه گوهرشاد در می‌یابیم که وی زنی خردمند و در حُسن تدبیر و سیاست والامقام بود.

شاید برای عده‌ای هضم این نکته که در دوران تیموری زنی با چنین قدرت و کیاست وجود داشته است، کمی دشوار باشد؛ ولی چنین زنانی ثابت کرده

اند، که از زمان‌های دور آوازه خردمندی و لیاقت‌مندی آنان حتی در کارهای جمعی هم چون کشورداری زبان‌زد جهانیان بوده است.

پس امروزه که شرایط و امکانات ترقی و پیشرفت بیش از گذشته برایمان مهیاست چه خوبست بیش از پیش سعی در اثبات توانمندی‌های خویش کنیم، که الگوی ارزشمندی برای نسل‌های بعد باشیم.

## فهرست منابع و مأخذ

### • قرآن کریم.

۱. اسفزاری، معین‌الدین محمد زمچی، (۱۳۳۸)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح و حواشی و تعلیقات کاظم امام، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. افضل‌ی، محمد اسلم، (۱۳۸۹)، *هرات در عهد تیموریان*، هرات: انتشارات احراری.
۳. اوکین، برنارد، (۱۳۸۶)، *معماری تیموری در خراسان*، ترجمه علی آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴. برغم‌دی سبزواری، کاظم، (۱۳۸۰)، *گوهرشاد*، تهران: فرهنگ سبز.
۵. بهره، ولی شاه، (۱۳۹۱)، *هرات نگین خراسان*، چاپ دوم، هرات: احراری.
۶. تاکستن، حیدر، درال، راکسبورد و دیگران، (۱۳۸۴)، *سلسله‌های تاریخ ایران (تیموریان)*، تدوین و ترجمه آزند، یعقوب، تهران: مولی.
۷. تشکری، سعید، (۱۳۸۹)، *بار باران*، تهران: نیسان.
۸. جعفریان، رسول، (۱۳۷۷)، *تاریخ ایران اسلامی*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۹. جنایی، اعظم، (۱۳۸۵)، *شخصیت گوهرشاد*، مجله تاریخ پژوهی، شماره ۲۸-۲۹.
۱۰. حبیبی، عبدالحی، (۱۳۵۴)، *هنر عهد تیموریان*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۱. حصاری، عبدالباقی، (بی‌تا)، *تاریخ افغانستان در دوره تیمور و تیموریان*، کابل: انتشارات امیری.
۱۲. خطیب، محی‌الدین، (۱۳۹۳)، *گوهرشاد (قیام، تاریخ، معماری)*، تهران: نور محبت.
۱۳. خواندمیر، (۱۳۴۵)، *خلاصه الاخبار*، به اهتمام سرور اعتمادی، کابل: بی‌نا.

۱۴. روملو، حسن، (۱۳۸۴)، احسن التواریخ، به اهتمام عبد الحسین نوایی، تهران: اساطیر.
۱۵. زرکنده، بتول، (۱۳۹۰)، گوهرشاد، تهران: مدرسه.
۱۶. زنگنه قاسم‌آبادی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، مسجد گوهرشاد و وقایع مهم آن، مشهد: خورشید شرق.
۱۷. سکندری، علی‌جان، (۱۳۸۳)، بایسنقر میرزا فرزند ملکه گوهرشاد آغا بانی هنر در کتابت، بازوی پدر در سیاست (۷۳۷-۷۹۹ق)، قرآن و حدیث: مشکوئه (شماره ۸۴ و ۸۵).
۱۸. سیدی، مهدی، (۱۳۸۶)، مسجد و موقوفات گوهرشاد، قم: کومه.
۱۹. طبیبی، عبدالحکیم، (۱۳۶۸)، تاریخ هرات در عصر تیموریان، تهران: هیرمند.
۲۰. غبار، میرغلام محمد، (بی‌تا)، افغانستان در مسیر تاریخ، کابل: میوند.
۲۱. غفرانی، علی، مصطفی گوهری، و سیدهادی ذبیحی، (۱۳۹۴)، نقش زنان در منازعات سیاسی دوره تیموری، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال ششم - شماره ۱۹ (علمی-پژوهشی)
۲۲. کتابخانه جامع گوهرشاد، (۱۳۶۳)، تاریخچه مسجد گوهرشاد،
۲۳. مدیرشانه‌چی، کاظم، (۱۳۴۶)، گوهرشاد، نامه آستان قدس، دوره هشتم، شماره ۳۱، ص ۱۰۹-۸۹.
۲۴. معرفون، زینب؛ بنی‌سعید، نوروز، (۱۳۹۶)، بررسی فعالیت‌های گوهرشاد تیموری در زمینه سیاست، فرهنگ و تمدن اسلامی، مجله تاریخ نو، شماره ۲۱.
- نوایی، امیر علی‌شیر، (۱۳۲۳)، مجالس النفاس، ترجمه: محمد فخری هراتی و حکیم مبارکشاه قزوینی، به اهتمام علی‌اصغر حکمت، منوچهری، تهران.